



نگاهی گذرا به حضور مربیان خارجی موفق و ناموفق در فوتبال ایران - بخش اول

اینهارا نمی خواهیم به یاد آوریم!



خطرات تلخ لیتبارسکی

مربیان آلمانی زیادی در فوتبال ایران مسئولیت داشته‌اند، یکی از آنها پیر لیتبارسکی است که اتفاقاً با خاطراتی تلخ، ترک زود هنگام کشورمان را تجربه کرد. قهرمانی سایپا در فصل ۱۳۸۵-۱۳۸۶ انتظارات از این تیم خودروساز را بالا برد، به ویژه که پس از آن علی دایی، سرمربی موفق این تیم به عنوان سرمربی تیم ملی انتخاب شد، البته نارنجی پوشان فصل بعدی (۱۳۸۶-۱۳۸۷) از دوران اوج خود فاصله گرفتند و مدبران باشگاه برای نجات تیم استفاده از سرمربی خارجی را در دستور کار قرار دادند، انتخاب لیتبارسکی نیز دقیقاً به همین علت بود. مربی آلمان در سال ۱۳۸۷ به تهران آمد تا نفر اول نیمکت سایپا لقب بگیرد، منتها زود تر از آنچه تصورش را می کرد با سایپا به بن بست رسید. اولین حریف این تیم در فصل هشتم پرسپولیس بود که با یک گل نارنجی هارا شکست داد. روزهای تلخ لیتبارسکی با همین روند تداوم یافت و این مربی تنها در هفت بازی هدایت سایپا را بر عهده داشت. ثبت چهار شکست، دو تساوی و فقط یک پیروزی برای مدیران باشگاهی راهی باقی نگذاشت جز بر کناری لیتبارسکی. او که خودش هم از شرایطش در سایپا ناراضی بود، قبل از بر کناری به حالت قهر تهران را ترک کرد و منتظر اخراجش باقی ماند. از بر کناری این مربی نه تنها کنسی ناراحت نشد بلکه حتی دایی در آن زمان ادعا کرد لیتبارسکی دلش نمی خواسته سایپا نتیجه بگیرد و روزهای سخت مربی شناخته شده در بدترین حالت ممکن به پایان رسید و پس از آن دیگر گذرش حتی به آسیا هم نیفتاد، چه برسد به فوتبال ایران.



ساحر مصر

یکی از ناکام ترین مربیان خارجی فوتبال ایران بی هیچ تردیدی مانوئل ژوزه بود؛ مربی پر توانی که رویاتیان برای پرسپولیس لقمه گرفت. ژوزه، ملقب به ساحر مصر با کارنامه ای در خشان و سر و صدای زیاد به پرسپولیس آمد. اما عمر حضورش در فوتبال ایران به یک نیم فصل هم نرسید و به واسطه نتایج ضعیف از سوی مدبرعامل وقت پرسپولیس کنار گذاشته شد، ولی به شکلی کاملاً غیر اصولی، بعدها کار دست پرسپولیس داد و خسارتی هنگفت به سرخپوشان تحمیل کرد. ژوزه تیم پرستاره ۱۳۹۱ را به دست گرفت؛ تیمی که به زعم بسیاری شانس قهرمانی را داشت اما پرسپولیس مرد پر توانی از ۱۷ مسابقه تنها پنج برد، شش تساوی و شش باخت کسب کرد و تارویاتیان تصمیم به تبعید او به تیم های پایه بگیرد. مدیرعامل سرخپوشان اما هرگز تصورش را هم نمی کرد این مربی با دوربین بر سر تمرین حاضر شود و از تمامی رفتاری که با او می شود فیلمبرداری کند و با مدارک مستند و محکمی راهی فیفا شود، دست آخر نیز پرسپولیس با وجود تلاش بسیار برای عدم پرداخت بدهی این مربی، ناچار به پرداخت رقمی حدود ۹ میلیارد تومان در دی ماه ۱۳۹۶ شد تا اگر شاسبی، مدیرعامل وقت پرسپولیس در خصوص شاهکار رویاتیان بگوید ژوزه در خانه نشسته و هنوز از پرسپولیس پول می گیرد!



کروات پرکار اما ناموفق

وینگو بگوویچ، جزو نخستین مربیان کروات ای بود که وارد فوتبال ایران شد. او کار خود را در فوتبال ایران از سال ۱۹۹۹ با فولاد خوزستان آغاز کرد و بعد از چهار سال حضور مداوم در جمع سرخپوشان خوزستانی، هدایت پرسپولیس را به دست گرفت. درست در سومین سال حرفه ای شدن فوتبال ایران بود که بگوویچ از خوزستان راهی تهران شد و شروعی طوفانی با پرسپولیس داشت، به طوری که بگاه و فجر سیاسی را با نتایج پر گل (۵ و ۸) شکست داد تا بسیاری در همان ابتدای راه پرسپولیس وینگو را نخستین شانس قهرمانی بداند اما شروع طوفانی مرد کروات نیمکت سرخپوشان با پایانی تلخ همراه بود و پرسپولیس با ایستادن روی سسکوی پنجم به کار خود خاتمه داد. وینگو بعد از ناکامی در پرسپولیس، یک سالی راهی فوتبال امارات شد و سپس دوباره به فوتبال ایران برگشت و به کارش در تیم های پگاه گیلان، امید ایران، پاس همدان، آلومینیوم هرمزگان، مس رفسنجان، مس کرمان، گل گهر و شاهین شهر داری بوشهر ادامه داد اما هرگز طعم موفقیتی که باید را در فوتبال ایران نچشید. بگوویچ سال ۲۰۱۳ بار دیگر به پرسپولیس بازگشت اما این بار به عنوان دستیار و خیلی زود راهی رفسنجان شد تا کارش را با مس ادامه دهد. وینگو که تقریباً از سال ۱۹۹۹ وارد ایران شد و همچنان در فوتبال ایران مشغول کار است، تسلط کاملی به زبان فارسی دارد و شاید همین مسئله باعث شد هرگز فکر کوچ از فوتبال ایران به سرش نزنند و همچنان یکی از مربیان خارجی حاضر در فوتبال ایران است.

خارجی فوتبال بسیار بلند و بالاتر از مربیان موفق است ولی حضور برخی چهره های نام آشنا و با کارنامه در بین مربیان ناموفق خارجی فوتبال ایران آنها را متمایز تر از بقیه می کند. آنچه در پی می آید نگاهی به عملکرد ۱۰ مربی خارجی نامدار و البته ناموفق فوتبال ایران است که با وجود تمام هدف هایی که برای خود و فوتبال ایران ترسیم کرده بودند، نتوانستند راه به جایی ببرند و با شکست فوتبال ایران را ترک کردند؛ نام هایی که فوتبال ایران و خیل عظیم هواداران او هیچ گاه آنها را به خاطر نمی سپارند.



جنتلمن قاتل!

سیاه ترین پرونده مربیان خارجی فوتبال ایران متعلق به ویلموتس است؛ مرد بلژیکی که سال ۲۰۱۹ با عقد قراردادی پر سر و صدا ساکن هدایت تیم ملی فوتبال ایران را به دست گرفت، اما حتی برای عقد قرارداد خود نیز زحمت حضور در ایران را نداد و مسئولان فوتبال کشور به حضورش شرفیاب شدند؛ مربی ای که تاج، رئیس وقت فدراسیون فوتبال او را مردی نجیب می خواند و از قراردادش تحت عنوان قراردادی خوب یاد می کرد، اما طولی نکشید که قرارداد این مربی به ننگین ترین قرارداد فوتبال ایران تبدیل و با عنوان بدتر از ترکمنچای از آن یاد شد. او درست بعد از ناکامی در صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ هزار عاچ به ایران آمد، اما تنها شش بار روی نیمکت تیم ملی فوتبال ایران نشست. او کارش را با برد پر گل مقابل سوریه و تساوی برابر کره جنوبی در دو دیدار تدارکاتی آغاز کرد، سپس به دو پیروزی مقابل حریفان ساده ای چون هنگ کنگ و کامبوج در انتخابی جام جهانی دست یافت، اما این پایان بردهای او با ایران بود چرا که در ادامه مقابل بحرین و عراق متحمل شکست شد، آن هم با نمایشی ضعیف بدون برنامه به انتقادهای زیادی را به دنبال داشت، به طوری که بعد از شش ماه اخراج شاخه ای که هزینه هنگفتی روی دست فوتبال ایران گذاشت، ققی حدود ه میلیون و ۴۰۰ هزار یورو با به عبارتی دیگر روزی ۸/۵ میلیارد تومان بابت تنها شش ماه و حضور در تنها شش بازی که نه تنها سودی برای فوتبال ایران نداشت که صعود آن به جام جهانی را نیز نیازمند معجزه کرد!



ناکامی در پرسپولیس

یورگن گده، مربی آلمانی در فوتبال ایران هدایت چند تیم را بر عهده داشته است، از پرسپولیس گرفته تا کشاورز و شهیدقندی و همچنین تیم امید. او هنوز هم برای هواداران نامی آشناست و با اینکه از زمان حضورش در فوتبال ما سال ها می گذرد ولی همچنان وی را به عنوان یکی از مربیان خارجی ناکام در پرسپولیس می شناسند. گده در سال ۱۳۷۳ به عنوان سرمربی تیم کشاورز پایش به ایران باز شد ولی عایدینی رئیس وقت فدراسیون مسئولیت تیم امید را به او سپرد. آقای رئیس وقتی مدیرعامل پرسپولیس شد، مرد آلمانی را روی نیمکت سرخپوشان نشاند اما بر خلاف انتظارات عملکرد ضعیف تیم پس از ۱۱ بازی به صدور حکم اخراج یورگن گده منجر شد. این مربی در سال ۱۳۷۷ دوباره به ایران برگشت و این بار سر از تیم ملی در آورد؛ دستگیری منصور



بازنده گران قیمت

گاریدو با پرونده ای نه چندان قابل دفاع سر از پرسپولیس در آورد. در قهرمانی جام کنفدراسیون آفریقا در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸، یک قهرمانی در سوپر جام مصر در ۲۰۱۴ و یک قهرمانی در جام حذفی مراکش در سال ۲۰۱۷؛ قهرمانی هایی که آخرین آن حداقل هفت سال قبل از نشستن روی نیمکت پرسپولیس به دست آمده بود. در واقع مرد برزیلی حتی خودش هم تصوراتی کرد بعد از عملکرد نه چندان قابل دفاعی که در الاتحاد الجزایر داشته است، بتواند سر از پرسپولیس در آورد، آن هم با رقم قابل توجه ۸۰۰ هزار دلاری. گاریدو هرگز نتوانست ارتباط خوبی با سکوهار برقرار کند و همواره مورد انتقاد بود. شاید به این دلیل که او هرگز مشکلات قابل توجه خط حمله تیمش را نپذیرفت و در

چون رایکوف، اوفارل و آلن راجرز در قبل از انقلاب و مربیانی چون استانکو و برانکو بعد از انقلاب بر فوتبال ایران به سادگی گذشت اما در این میان نباید از انبوه مربیانی هم که به اسم خارجی وارد ایران شدند اما هیچ آورده ای نداشتند به سادگی گذشت. نام بردن از تمامی مربیانی که فوتبال ایران حضور آنها را تجربه کرده است قطعاً مجال، زمان و فضای زیادی می طلبد، بنابراین بر آن شدیم هر چند کوتاه نگاهی گذرا به عملکرد دو دسته موفق و ناموفق مربیان خارجی فوتبال ایران ببندازیم، به طور حتم سیاهه مربیان ناموفق



شومن محبوب اما ناکام

هر چند در به سرانجام رساندن پروژه صعود فوتبال ایران به جام جهانی ۲۰۰۲ ناکام بود اما نمی توان منکر محبوبیتش در فوتبال ایران شد. شاید چون میروسلاو بلازویچ یک شومن عالی بود. اولین بار نامش زمانی روی جلد روزنامه های ورزشی ایران رفت که گفت اگر یوگسلاوی در نخستین بازی مرد حله گروهی مقابل ایران پیروز شود، یک توپ فوتبال را می بدهد. دو سال بعد از این ستایش، مدیران فوتبال ایران در مهرآباد به استقبال بلاز رفتند و سرنوشت تیمی را که با طالبی در جام ملت های ۲۰۰۰ با مشکلات فنی و درون تیمی مواجه شده بود، دست مرد کروات سپردند که تیمش در جام جهانی ۱۳۹۸ مقاومت جانانه ای مقابل خرس ها داشت و آلمان ها را با سه گل شکست داده بود و همین، امید ایران برای حضور دوباره در جام جهانی را با این مربی افزایش می داد. بلاز تغییرات قابل توجهی در فوتبال ایران ایجاد کرد که از جمله آن پایان دادن به انحصار سرخابی های پایتخت در تیم ملی بود و شرایط را برای رشد نفراتی چون رحمان رضایی و میرزایور مهیا کرد. در مقدماتی جام جهانی اما ایران در گروهی دشوار به عربستان، تایلند، عراق و بحرین خورد، هر چند ایران عربستانی را که مرتبه قبل مانع صعود مستقیم ایران شده بود در خانه شکست داد و در ریاض متوقف کرد و در مصاف با دیگر تیم های نتایجی که باید گرفت اما تساوی بدون گل در تهران و باخت در منامه به بحرین کار را پیچیده کرد و از آنجا که تنها یک تیم شانس صعود مستقیم داشت، کار به دویلین کشید، اما دویلین ملیون نشد تا بلاز به مربی ناموفقی در ایران تبدیل شود.

از روزی که ادموند مایوفسکی اثری نشی - لهستانی به درخواست علی کنی، رئیس فدراسیون فوتبال ایران در سال ۱۳۳۵ با هدف باز شدن دروازه های علم اروپا به روی فوتبال ایران پا به ایران گذاشت، مربیان خارجی زیادی به ایران آمدند؛ مربیانی که همه با همین هدف آمدند اما فقط تعداد معدودی از آنها نامشان در فوتبال ایران ماندگار شد و اکثر قریب به اتفاق آنها نه تنها چیزی به فوتبال ایران اضافه نکردند که باعث پسرقت آن هم شدند. بدون تردید نمی توان از نقش تأثیر گذار مربیان بزرگی



به ایوبیج بد کردیم!

بعد از صعود تاریخی به جام جهانی ۱۹۹۸ و حماسه ملیون، رئیس وقت فدراسیون فوتبال تصمیمی عجیب گرفت؛ وپه را سرمربی ای که هدایت تیم ملی در بازی با استرالیا را بر عهده داشت از سمتش بر کنار شد و تومیسلاو ایوبیج روی نیمکت ایران نشست؛ اتفاقی عجیب که هیچ کس انتظارش را نداشت. گذشت زمان نه تنها دلیل آمدن ایوبیج به ایران را توجیه نکرد بلکه نحوه بر کناری او اوضاع را وخیم تر هم کرد. مرد کروات با سابقه سرمربیگری پاریسن ژرمن و رئال مادرید خیال می کرد قبول مسئولیت هدایت ایران در جام جهانی کارنامه اش را قوی تر از گذشته می کند، با وجود این با اتفاقات پشت پرده، خیلی زود زیر پای ایوبیج خالی شد و او در اوج ناراحتی و با دلشکستگی از ایران رفت. مهم ترین انتقادی که به مذاق بازیکنان آن دوره خوش نیامد، ناراضیاتی ایوبیج از عملکرد ضعیف و پراشتباه ملی پوشان در سیستم دفاعی بود. تورنمنت چهار جانبه هنگ کنگ (پهمن ۱۳۷۶) اولین حضور رسمی ایوبیج روی نیمکت تیم ملی ما بود و پیروزی بر شیلی در ضربات پنالتی در آن دوره به دست آمد. عید سال ۱۳۷۷ همان اتفاق عجیب رقم خورد؛ باخت ۷ بر یک به آس رم در بازی دوستانه به اخراج ایوبیج منجر شد. در تصمیم شبانه جلال طالبی، سرمربی جدید ایران شد و در بازی دوستانه بعدی با اینتر میلان، ایران ۴ بر یک به پیروزی رسید. در مورد نقش بازیکنان در شکست سنگین به رم و علت بر کناری ایوبیج و روی کار آمدن طالبی هنوز هم حرف و حدیث های زیادی مطرح است اما اصل ماجرا این است که حسرت سرمربیگری در جام جهانی فرانسه تا بد به دل ایوبیج ماند. سرمربی سابق ایران در تیم راه سال ۱۳۹۰ در سن ۷۷ سالگی در گذشت.



پر حاشیه مثل سایننتو

زمین در آن فصل زیانتر بود و سایننتو با جنجال آفرینی کنار زمین، برای داوران چاره ای نمی گذاشت جز اخراج. در فینال جام حذفی با اینکه همه چیز به نفع آبی ها بود اما اظهار نظرات عجیب سرمربی علیه بیرانوند دروازه بان وقت پرسپولیس و همچنین حاشیه سازی و اخراج در دقایق پایانی بازی، جام را از چنگ استقلال در آورد و تقدیم رقیب سنتی کرد. تنها دستاورد این مربی خارجی ثبت اولین قهرمانی سوپر جام برای استقلال بود؛ آبی ها به لطف قهرمانی با فرهاد مجیدی در هشتمین فینال سوپر جام مقابل نساجی به میدان رفتند و با یک گل قهرمانی به راه انداختند. باتوجه به حواشی زیاد و ناکامی استقلال در کسب دو جام دیگر همکاری با باشگاه با سایننتو پس از اتمام فصل به پایان رسید و عجیب اینکه متن خداحافظی مرد پر حاشیه باز هم پر بود از نیش و کنایه.



توشاک و حسرت موفقیت

کسب کند. عقد قرارداد سه ساله نشان می داد طرفین امید زیادی به روزهای خوب داشتند، ولی گذشت زمان ثابت کرد فوتبال ما توانایی پس زدن بهترین مربیان خارجی را نیز ندارد. در واقع تراکتورسازان از ابتدای فصل روی قهرمانی جام حذفی حساب کرده بودند اما باخت به نفت آبادان حذفی زود هنگام را برای شان رقم زد. در آن بازی کدایی توشاک از اینکه محمد تقوی دستیارش در وقت های اضافه به داخل زمین رفت و با بازیکنان صحبت کرد به شدت عصبانی شد. درگیری اشکان دژاگه با سرمربی ولزی نیز سروصدای زیادی به پا کرد. مجموعه ای از این حواشی باعث شد بلافاصله بعد از باخت به نفت، توشاک تیریز را به مقصد استانبول ترک کند. این مربی طی هفت بازی فقط دو بار طعم برد را با تراکتور چشید.

تراکتورسازی یک مالک متمول دارد که برای به خدمت گرفتن بازیکن یا مربی خارجی مدنظرش با کمبود مالی مواجه نیست و حاضر است برای آنها هزینه هنگفتی پرداخت کند. در سال ۱۳۹۷ بود که پرشورهای پای اولین مربی ولزی را به فوتبال کشورمان باز کردند؛ جان توشاک انتخابی بود با کارنامه بسیار موفق و سوابقی در خشان که هیچ انتقادی به او وارد نبود. تنها مشکل اینجا بود که سرمربی جدید سابقه حضور در فوتبال ایران را نداشت. همین بی تجربگی کار دستش داد و عمر فعالیتش در تبریز بیش از سه ماه نشد. کمتر کسی خیال می کرد لیورپولی سابق و مربی ای که با رئال مادرید فاتح لالیگا شده به یک باره تصمیم تیم ایرانی را بپذیرد. اولش همه چیز خوب به نظر می رسید و مرد ولزی امیدوار بود با رقم ها موفقیت های زیادی